

# مادرانگی با زبان اشاره

گفت و گو با مادر یک دختر ناشنوای موفق که هم در سش را خوانده و هم بافتنی، عکاسی، نقاشی و... بلد است و از چالش های بزرگ کردن چنین فرزندان می گوید

علیرضا کاردار | روزنامه نگار

پرونده

قطعاً کسی نیست که به زحمتهای یک مادر از لحظه تولد فرزندش تا وقتی که همدیگر را ترک می کنند، شک داشته باشد. اصلاً نام مادر با سختی کشیدن برای رشد فرزندان شناخته می شود. در این میان اگر مادری صاحب فرزندى شود که نیاز به رسیدگی و توجه بیشتر داشته باشد، قطعاً تلاش هایش ستودنی تر خواهد بود، مانند مادرائی که فرزندان کم توان دارند. در پرونده امروز با خانم بهرامی، مادری هم صحبت شدیم که بیش از ۳۰ سال است که حامی و پرورش دهنده فرزند ناشنوایش است. فرزندى که ناشنوا به دنیا آمد و بر اثر مشاوری غلط، دوره طلایی بازیابی شنوایی اش را از دست داد ولی با تلاش، پیگیری و توجه خاص مادرش به موفقیت رسیده است. شکی نیست مادران بسیاری هستند که مشکلات بیشتری را تجربه کرده و برای بزرگ کردن فرزندان شان زحمتهای بیشتری کشیده اند ولی همراه امروز ما به عنوان یک نمونه از این مادران انتخاب شده تا با گوشه ای از مشکلات و سختی های مضاعف این عزیزان آشنا شویم.

## دختری که ناشنوا به دنیا آمد

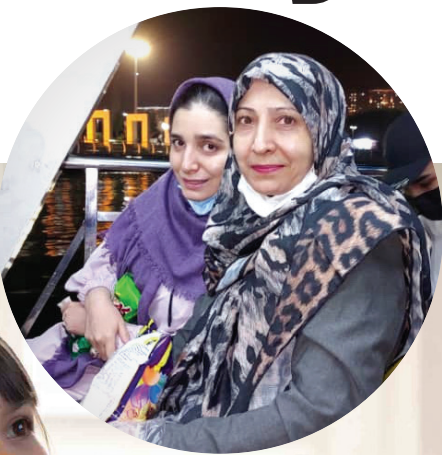
خانم بهرامی، مادر فاطمه خادم زاده داستان ناشنوا شدن فرزندش را چنین تعریف می کند: «سال ۱۳۶۶ و در اوایل بارداری اولین فرزندم به بیماری سرخجه مبتلا شدم. بعد که فاطمه به دنیا آمد، یک سال و نیم گذشت و متوجه شدیم که هنوز حرف نمی زند. در فامیل ما بچه هادیر به حرف نمی آیند، برای همین نگران شدیم. به تشخیص پزشک از گوش فاطمه نوار گرفتیم و بعد از معاینه مشخص شد که بچه اصلاً شنوایی ندارد ولی از پس هوشیار و زرنگ بود تا آن سن متوجه نشده بودیم که ناشنواست.» مادر فاطمه از همان بدو تولد دخترش درگیر مشکلاتی بوده که آن ها را این گونه توضیح می دهد: «متأسفانه بعضی از افراد فامیل این موضوع ناشنوایی را درک نمی کردند. همسر هم به دلیل گرفتاری های شغلی وقت نداشت تا برای رسیدگی به دخترمان کمک کند. برای همین خودم بودم و این بچه. چون بچه های دیگر وقتی گرسنه یا تشنه می شوند یا زیرشان را کشیف می کنند، با گریه یا اصوات یا کلمات می توانند خواسته خود را بیان کنند ولی این بچه نمی توانست. برای همین همه چیز را در دسترس اش می گذاشتم. بعد هم ساعت تنظیم می کردم و طبق برنامه به بچه شیر می دادم یا زیرش را عوض می کردم تا خودش مجبور نشود با زبان بی زبانی من را صدا بزند.»

## کاش به توصیه های پزشکی

## اطرافیان گوش نمی دادیم



«کاش به توصیه های دیگران گوش نمی دادیم.» خانم بهرامی دلیل این افسوس اش را چنین بیان می کند: «دو ساله که بود در یک مهمانی متوجه شدیم بچه یکی دیگر از افراد هم ناشنواست. سمعک او را روی گوش فاطمه گذاشتیم، توانست کلمه هایی را که ما می گفتیم تکرار کند. خیلی خوشحال شده بودیم ولی عده ای در خانواده گفتند این کار بچه را اذیت می کند، روی مغزش تاثیر می گذارد و... متأسفانه ما هم به جای مشورت گرفتن از پزشک، به حرف آن ها گوش دادیم و از سمعک استفاده نکردیم. بعدا که بزرگ تر شد متوجه شدیم دیگر دیگر شده و سمعک نمی تواند کمکی به بهبود شنوایی اش بکند.» مادر فاطمه به نمونه دیگری از سختی هایی که به خاطر محدودیت فرزندش به دوش کشیده چنین اشاره می کند: «تا سه سالگی خیلی سختی کشیدم، چون نه من متوجه خواسته های فاطمه می شدم و نه او حرف های من را می فهمید. بعد برای گفتار درمانی به پزشک مراجعه کردم تا مقدمات مدرسه رفتن اش را انجام دهیم. بچه های کم توان دیگر مثلاً نابینا ها می توانند با اطرافیان رابطه برقرار کنند ولی کودک ناشنوا چون کلمات را نشنیده و با حروف آشنا نیست، نمی تواند نیاز هایش را بیان کند. حرف ها را نمی شنید و متوجه اخطار هانمی شد و باید مراقبش بودیم تا کار خطرناکی انجام ندهد یا از جایی نیفتد و... زمانی که فاطمه را مدرسه گذاشتیم، می گفتند نباید با این بچه ها زبان اشاره کار کنیم و فقط با لب خوانی با هم ارتباط برقرار می کردیم. بعدا که به انجمن رفتیم متوجه شدیم ناشنوا های دیگر خیلی کم لب خوانی را متوجه می شوند و باید با آن ها با زبان اشاره صحبت کنیم.»



عکس تزیینی است

## با دخترم در کلاس های مدرسه شرکت می کردم

این مادر فداکار با آن که دست تنها بود ولی باز هم مسئولیت مادری اش را به بهترین نحو ادامه داد. خودش این طور تعریف می کند: «وقتی به سن پیش دبستانی رسید، خودم هر روز به مدرسه می بردم و تا حرف را یاد بگیرد. چون هنوز سواد نداشت باید روی لب خوانی کار می کردیم. من هم می رفتم تا خودم یاد بگیرم و در خانه با او تمرین کنم. همچنین برای وقت هایی که فاطمه در مدرسه نیاز به کمک داشت یا درس را متوجه نمی شد، باید همراهش

می بودم. چون فاطمه با خودم راحت تر بود، همه کار هایش هم با خودم بود و همسرم در حد این که بعدا وقتی بزرگ تر شد او را دو سه ساعتی پارک ببرد، کمک می کرد.» در همین زمان اتفاق دیگری می افتد که از یک نظر بار مشکلات مادر اضافه می شود و از سوی دیگر، زندگی رنگ و بوی دیگری می گیرد. خانم بهرامی ادامه می دهد: «فاطمه که ۸ ساله شد، دختر دیگر یعنی فائزه به دنیا آمد و کارم سخت تر شد. هم باید به کار های فاطمه که کلاس اولی

## اصلی ترین دغدغه این مادر

## برای فرزندش

خانم بهرامی از دلواپسی هایش می گوید: «اصلی ترین دغدغه ما رفتن فاطمه به سر خانه و زندگی خودش است. الان فکر و ذکر من فقط آینده این بچه است. نه فقط فاطمه که برای همه بچه های کم توان و ناتوان دعا می کنم که خوشبخت شوند. موافق از دوا جاش هستیم ولی بهتر است این طور بچه ها با افرادی شبیه خودشان از دوا ج کنند تا بتوانند همدیگر را درک کنند که خب این روز ها یک پسر ناشنوا که امکان از دوا ج داشته باشد، کم است. برای همین خانواده ها در این شرایط می ترسند که بعد از از دوا ج یک فرزند ناتوان شان تبدیل به دو تا شود و برای همین از دوا ج کردن این ها سخت تر شده است. چند نفری هم از طرف انجمن معرفی شدند که آن ها هم متأسفانه امکان راه انداختن یک زندگی را نداشتند. باید خانواده دختر و پسر کمک شان کنند که به شرایط مالی آن ها بستگی دارد.» مشکلات مالی یکی دو تا نیست، مادر ادامه می دهد: «اصلی ترین هزینه والدین این فرزندان سمعک است که باید آزاد بخریم و تازه جنس خوشش هم گران تر است. خیلی از خانواده های بچه های ناشنوا هستند که توان خرید سمعک خوب را ندارند و آن زمان طلایی برای کمک به بچه از بین می رود. کاشت حلزون هم همین طور است و هزینه بالاتری دارد.» با این همه مادر از خاطرات خوشش هم می گوید: «اولین کلمه هایی که از دهان فاطمه درآمد مامان و بابا بود، انگار دنیا را به ما دادند. در خانه مادر م بودیم و بقیه فامیل هم بودند که همه ذوق زده شدیم. بعدا که برای مدرسه به گفتار درمانی بردیم و توانست کلمه های ساده را بگوید، آن قدر خوب تکرار می کرد که اطرافیان باور نمی کردند و می گفتند این بچه می شنود! همین چیز ها بود که باعث شد از غم مان کم شود.»

## خواهری که مترجم زبان اشاره شده است

مادر فاطمه نه تنها خودش کم نیابد که حتی دختر دیگرش را هم به تلاش واداشت و او را تشویق کرد که زبان اشاره یاد بگیرد تا بتواند بهتر با فاطمه ارتباط برقرار کنند. فائزه خادم زاده داستان خودش و خواهرش را این طور تعریف می کند: «اوایل کودکی که به مرور فهمیدم خواهرم با بقیه مردم متفاوت است، متوجه مشکلی نمی شدم، چون خواهر من بسیار مستقل بود و به راحتی لب خوانی می کرد. بیشتر مشکلاتی که وجود داشت سختی های خودش برای ارتباط گیری با ما بود. من تنها چیزی که می دیدم تفاوت بود. با این همه ما تمام سعی مان را می کردیم که خواهرم احساس تنهایی نکند، اما باز هم آن دوره، دوره ای بود که اطلاع نداشتیم باید به آموزش زبان اشاره توجه کرد. روز هایی را که می توانستیم با زبان اشاره برای خواهرم بسازیم و باعث شیرین شدن دنیای او شویم با سختی لب خوانی گذرانیدیم. همچنین از دوره کمبود ها و سختی های دوران مدرسه و اشکالاتی که به آن وارد است هم گذشتیم. در زمان تحصیل خواهرم در مدارس ناشنوایان زبان اشاره را درس نمی دادند. بعد که به موسسه های ناشنوایان سر زدیم با بچه هایی که زبان اشاره بلد بودند، آشنا شدیم. یک روز من فیلمی از یک گروه سرود ناشنوایان دیدم که برایم جالب بود در آن با زبان اشاره به راحتی احساسات و مفاهیم را بیان می کردند، کاری که با لب خوانی امکان پذیر نبود. خوشم آمد و با خواهرم دنبال یاد گرفتن آن رفتم. از آن جایی که زبان اصلی ناشنوایان

همان زبان مادری شان است، بعد از روبه رو شدن با کسی که زبان اشاره بلد است، خیلی سریع می توانند آن را یاد بگیرند. برای همین من و خواهرم همزمان شروع به یادگیری این زبان کردیم و ولی خواهرم خیلی بهتر و سریع تر از من زبان اشاره را یاد گرفت. اکنون من به لطف وجود خواهرم مترجم زبان اشاره هستم، خواهری که همیشه حامی من بوده و هست.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

یک شنبه • ۲۸ آذر ۱۴۰۰

۱۴ جمادی الاول ۱۴۴۲ • ۱۹ دسامبر ۲۰۲۱

شماره ۲۰۸۳۰

۲۰۵۰

هنر

پرونده

## «لکسوس» الکتریکی

## با شتاب ۲ ثانیه ای!

هر چند تا امروز هیچ عکسی از داخل این خودروی مفهومی لو نرفته اما آمار و ارقام جذابی در خصوص این ابرخودرو منتشر شده است

آینده از آن خودرو های الکتریکی است و صنعت خودرو های جهان با سرعت خیره کننده ای به دنبال جایگزین خودرو های بنزین سوز و گاز سوز است. بررسی های علمی نشان می دهند تا سال ۲۰۴۰، میزان تولید خودرو های برقی آن قدر زیاد می شود که یکه تا ز عرضه صنعت خودروسازی جهان خواهد شد. در این بین، این نام را به خاطر داشته باشید: الکسوس Electrified Sport. توپوتا و بازوی لاکچری آن لکسوس، به تازگی انبوهی از خودرو های الکتریکی را که در آینده عرضه خواهند شد به نمایش گذاشتند که جذاب ترین گزینه در بین آن ها ابر خودروی تمام الکتریکی لکسوس است. این خودروی اسپرت کوپه طراحی بسیار جذاب و زیبایی دارد و بیشتر قطعات نصب شده روی بدنه آن مشابه نسخه تولیدی خواهد بود که در آینده رونمایی می شود. در مینی پرونده امروز زندگی سلام با این خودرو بیشتر آشنا خواهید شد.



### کاپوت کشیده با گلگیر های حجم پردازشی شده

خبر جالب این جاست که این خودروی مفهومی قرار است به نسخه تولیدی تبدیل شود و چرخ های آن روزی به آسفالت خیابان ها می رسند! این ابرخودروی لکسوس دارای کاپوتی بسیار کشیده و چراغ های اصلی بومرنگ استایل است. همچنین یک کیت بدنه آپرودینامیکی جذاب برای آن نصب شده و در زیر گلگیر های حجم پردازشی شده و برآمده این خودرو رینگ های آلایژی فورج بزرگی قرار گرفته اند. خط سقف و شیب زیاد آن باعث شده که این خودرو حتی زمانی که متوقف است، قدرت و توان خود را به بیننده نشان دهد. در پروفیل عقب عریض این خودرو هم چراغ های LED تعبیه شده که طراحی آن ها تا حدودی مشابه آئودی ای-ترون GT انجام شده است.

### خودروی ۲ نفره با شتاب ۲ ثانیه ای

همانند دیگر خودرو های پرتو تایپ و مفهومی که توسط لکسوس و توپوتا در کنفرانس خبری این کمپانی به نمایش گذاشته شده بودند، تا این لحظه تصویری از کابین این ابرخودرو در دسترس نیست ولی آمار و ارقام جذابی در خصوص این ابرخودرو منتشر شده است. در ابتدا باید اظهار کنیم که این ابرخودروی الکتریکی به نوعی جانشین لکسوس LFA محسوب می شود و قادر است طی کمی بیشتر از ۲ ثانیه از حالت سکون به مرز ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت دست یابد. به لطف این شتاب خیره کننده می توان اظهار کرد که این ابرخودروی الکتریکی لکسوس رقیبی برای ریماک Nevera و تسلا مدل اس Plaid حداقل در زمینه شتاب گیری اولیه خواهد بود. مدیر لکسوس در روز کنفرانس خبری اظهار کرده که این خودرو قادر است در حالت شارژ کامل بیشینه مسافت ۷۰۰ کیلومتر را طی کند؛ البته نه توپوتا و نه لکسوس به سیکل تست شده در خصوص این مسافت قابل پیمایش اشاره نکرده اند. نکته مهم این جاست که این ابرخودروی الکتریکی دو نفره از باتری های جامد به عنوان منبع تغذیه موتور های الکتریکی استفاده می کند. البته توپوتا و لکسوس پیشتر اعلام کرده بودند که اولویت آن ها در استفاده از باتری های Solid State خودرو های هیبریدی بوده و در اولویت بعدی به سراغ استفاده از این باتری ها در خودرو های الکتریکی می روند.

### این خودروی ۱۰ سیلندری شوکتان خواهد کرد!

علاوه بر بیانیه رسمی توپوتا، رئیس این کمپانی یعنی آکیو توپودا هم به لکسوس LFA در صحبت های خود اشاره و اظهار کرد: نسل جدید این ابرخودروی ۱۰ سیلندر فاقد پیشرانه درونسوز خواهد بود و لکسوس ابرخودرویی الکتریکی (یعنی همین خودرو) را به عنوان نسل جدید LFA توسعه داده که تجربه رانندگی، قابلیت عملکرد بالای LFA را برای راننده و سرنشین تداعی و همه را شوکه خواهد کرد. قیمت پایه در نظر گرفته شده برای این خودرو رقمی در حدود ۴۸۰ هزار دلار برای بازار اروپاست.

منابع این بخش از پرونده: khodronevis.com, 1car.ir, lexus.eu

